

## خلاصه مقاله نامه ای به مردم لبنان

مردم لبنان، روز عاشورا، فرا می‌رسد و معانی این مناسبت، معانی مناسبت‌های مقارن با خود رو کامل میکند و تصویری روشن از انسانی که خداوند در لبنان و همه‌جای دنیا اراده فرموده است، ترسیم می‌کند. حسین(ع) می‌داند که فساد همه را در خود فرو می‌برد و ترس و طمع راه خیرخواهی و اعتراض را می‌بندند و بیم از خدا و وجدان در جامعه کم‌رنگ شده تا آنجا که ایمان و اخلاق را به نابودی می‌کشاند

حسین(ع) دریافت جان‌فشانی عظیم متناسب با بزرگی فاجعه چشمه‌های خیر امت را می‌جویند. از این رو هرآنچه را که داشت در این راه فداکرد همه سوختند، ولی آتش را خاموش کرد و جامعه را روشن کرد. حسین(ع) دریافت که «به حق عمل نمی‌شود و از باطل بازداشته نمی‌شود»؛ حاکم حقوق مردم را غصب اندیشه‌ها را تسخیر، حقایق را واژگونه و بیعت را تحمیل بر مردم می‌کند و انسانها را برای منافع شخصیش به بندگی می‌کشد و بدون رقیب هرچه بخواهد میکند از خونریزی، تبعید، بدل‌سازی انسان به ابزار مطیع. و پادشاهی را از خود به ارث می‌گذارد

خطرناک‌ترین کارش این است که به انحرافاتش رنگ شرعی می‌زند و اطاعت خود را واجب و مخالفت مردم را با خود گمراهی می‌شمارد و با شمشیر دین مؤمنان را به حکم قاضیان مرتد و خارجی به قتل می‌رساند. انسانی که برای استوارسازی پایه‌های دین، به جهت تحقق آزادی و کرامت و امنیت در سایه رهبران پاک مبارزه می‌کرد دریافت که دشمنان آزادی و کرامت بر او حکومت می‌کنند.

مردمی که محمد(ص) تربیت کرده بود که در برابر ظلم ساکت ننشینند، هم‌آنان اکنون در بند شمشیر یا نان یا گمراهی در خدمت ظالمان بودند.

وقتی حاکم مدینه از امام خواست با یزید بیعت کند، برخی از آنان به امام گفتند: دل‌هایمان با توست ولی شمشیرهایمان بر ضد تو. امام تسلیم نشد و از مدینه به مکه رفت و مکه را در موسم حج ترک و نارضایتیش را از حامیان طاغوت و گمراهان اعلام و شعایر دینی را برای حمایت از انسان و کرامت و آزادی و تربیت عنوان کرد، و هجرت به سوی خداوند را سفر به جایی که ارزش‌های معنوی در آن وجود داشته باشد، دانست. امام فرمود: مرگ برای بنی آدم مانند گردن‌بند بر گردن دختران است و من بر دیدار گذشتگانم همچون یعقوب مشتاقم. در پایان خطبه نیز فرمودند: من مرگ را جز سعادت و زندگی با ستمگران را جز مایه ننگ نمی‌دانم. هر که شوق دیدار خدا دارد با ما بیاید.

بعدازشهادت امام خیر قهرمانی‌هایش و جنایت‌های دشمنانش عالم را پر کرد و توبه و قیام جهان اسلام را فراگرفت و تخت ستمگران و منحرفان را به نابودی کشاند و شعله پاک انسانیت در تاریخ امتدادیافت. هر سال سالروز هجرت پیامبر و هجرت حسینی مقارن می‌شود و این تقارن از نوع پیوستگی میان «شروع» و «استمرار» است.

لبنان پس از گذر سختی‌ها، در کنار خاطرات هجرت نبوی و عاشورا، به استقبال میلاد مسیح، میلاد ایمان و صلح می‌شتابد، و سپیده‌ای برای آینده‌ای که درخور جان‌فشانی‌ها و رنج‌هایشان باشد؛ آینده‌ای آکنده از صلح و عدالت و عزتمندی، کار رقم زدند و وفادار به قهرمانان، مشعل حق را برافراشتند. جاودانگی میهن مثل جاودانگی عاشورا در گرو ارزش‌های انسانی است و بدون آن‌ها پیروزی به دست نمی‌آید و قهرمانی‌ها شکوهی ندارد و جهان آن را به فراموشی می‌سپارد. مسئولیت ما بسیار بزرگ است و رساندنش به دست آیندگان مردانی بزرگ می‌طلبد. دنیا نگران ماست چون نشان دادیم که کشوری کوچک همچنان که توانست مشعل تمدن را در دست داشته باشد، می‌تواند فتنه شود و آسایش بر هم زند. دنیا دریافت که شهروندی که به تنهایی وارد دنیای ناشناخته‌ها می‌شد و با آن‌ها به تعامل و سازندگی می‌پرداخت و می‌تواند به تماشای اقلیتی منحرف بنشیند که همه چیز را ویران می‌کند.

برادران ما چه گزینه‌ای را انتخاب خواهیم کرد؟ در این انتخاب برای استمرار تاریخ متمدنمان در این مناسبت‌ها، برماست که به سرعت از فضای جنگ بیرون آییم. این جنگ تنها با توپخانه نبود، بلکه عقل‌ها و دل‌ها و زبان‌ها در آن نقش داشت.

متأسفانه، در این میان عقل‌ها نیز به میدان آمدند و انحرافات و ستمگری‌ها را چنان توجیه کردند که برخی از ما هیچ اقدامی را غیرموجه نمی‌شمرد، هرچند دور از اصول انسانی بود. دل‌ها به شدت بیزار شد حال آنکه در تاریخ همواره با دشمنان مهربان و بی‌پناهان را پناه، محافظ کودکان و زنان و مجروحان بودیم. برای درمان مجروحان دشمن پزشک می‌فرستادیم و چشم امید بی‌گناهان و حتی درختان و حیوانات به ما بود.

زبان‌ها و قلم‌ها در وحشی‌گری از سلاح‌ها پیشی گرفت و دروغ بافتند و برخی مسائل را بزرگ جلوه دادند و برخی را کوچک جنگ لبنان در درجه اول جنگ تبلیغاتی بود که در آن میلیون‌ها هزینه شد و استعدادها را به خدمت گرفت، و در نهایت جنگ‌افزارها نیز وارد این جنگ شدند.

ویرانی‌های روانی در کشور ما فراتر از ویرانی‌های مادی و انسانی است و این امر مسئولیتی در برابر رهبران قرار می‌دهد که فراتر از مسئولیت‌های آنان پس از جنگ‌های کوچک جهانی است.

باید با استفاده از همان ابتکار و توان اوضاع جنگ‌زده را اصلاح کنیم، نیروهای ویژه عرب، نمی‌توانند

وارد این عرصه‌ها در جنگ شوند. این معضلات جز با ارادهٔ حسینی پولادین برطرف نمی‌شود، باید مجدداً اطلاعات داده شده را ارزیابی و روابط عمومی و خصوصی خود را در انتخاب دوست و دشمن بازنگری کنیم.

باید همان‌گونه که دو سال میلادی و هجری نومی شوند، ما نیز عقل و سخنان خود را در تمام محافل نوکنیم برای گرفتن زمام امور باید به سوی سازندگی پیش برویم و گر نه دنیا با ما قطع رابطه می‌کند و مرزهای خود را به روی ما می‌بندد.

ای سازندگان تاریخ، هرگونه انحرافی را که رخ می‌دهد، محکوم و با هر ستمگری قطع رابطه کنید و دربارهٔ آنان تحت تاثیر روابطتان داوری نکنید. با عدالت است که تاریخ و میهن ساخته می‌شود. اقدام ما در پایان دادن به جنگ ما را از هرگونه قیمی بی‌نیاز و مسئولان را بر آن می‌دارد که خود را وقف مسئولیت‌های ملی و قومی کنند. شتاب در ساخت نهادهای ملی و وظیفه‌ای ملی قومی ماست. مشارکت نکردن ما در برون‌رفت از جنگ امت ما را در معرض خطرات بزرگی قرار می‌دهد با توجه به سنگینی مسئولیت و دشواریش در این اوضاع جنگی، ابعاد میلاد مسیح (ع) و شهادت امام حسین (ع) را برایتان به تصویر می‌کشم. باید با ایجاد فضای صلح این جوسنگین را بشکنیم.

باید دوستی که بر نابودی کشور ما شرط‌بندی کرد و دشمنی که بر ضد وطن و حاکمیت و آزاداندیشی ما توطئه چید، به چالش بکشیم و در عمل، به آنان بگوییم استوار بر جا ایستاده‌ایم و از ارزشهای خود پاسداری می‌کنیم. ای دنیایی که ما در ساختن فرهنگ و تمدنت نقش داشتیم و در پرداختن به مسائل و مشکلات تو شتاب کردیم ما علی‌رغم گرفتاری‌هایت در کمک رسانی به کشورمان، هنوز آماده برای باقی ماندن در همان جایگاه رفیع خود هستیم. ما ستم را از میان خود دور خواهیم کرد تا با ستم و نژادپرستی و عقب افتادگی که بر تو می‌رود، مبارزه کنیم.

ای دنیایی که از ما به سبب تأثیر واهتمام به حق و حمایت از فلسطین و انقلاب آزرده و هراسانی، ما علی‌رغم رنج‌های از حد گذشته در جایگاه خود باقی می‌مانیم و جبهه ی حق را یاری میکنیم. قدس تجلی‌گاه ارزش‌ها و نماد یک‌پارچگی ماست قدس برای ماست و مشکل و جهاد آنان مشکل و جهاد ماست. دشواری‌هایی که بر سر راه ماست، کوچک‌تر از آن است که رسالت فرهنگی و مسئولیت تاریخی ما را از ما بگیرد. ای اسرائیل که می‌خواستی همزیستی آرمانی ما را از بین ببری ما همبستگی ملی فراگیر

میان مسیحیان و مسلمانان را، پذیرفته‌ایم. ما این رسالت را پذیرفته‌ایم و به آن آگاهیم. ما الگوی عینیت‌یافتهٔ آیندهٔ جهان و نمونه از تمدن آیندهٔ ایم. ما به همزیستی خود پایبندیم و با توان فکری و عاطفی و نظامی مدافع آنیم و اجازه نمی‌دهیم تفکر صهیونیستی و نازی و فاشیستی و نژادپرستی در کشورمان رشد کند، همان‌طور که اجازه نمی‌دهیم تفکر نژادپرستانهٔ مدرن که در لباس برخی احزاب ظهور کرده است، میان ما رواج یابد.